# تحلیل و بررسی تاریخی کاربرد تعبیر رواة در عصر صدور روایت زرارة

شاگرد: بفرمایید که این روات به چه معنا است.

استاد: یک صفحه در فدکیه برای همین هست. جالب این است که می‌گویند «اقرئوا کما علمتم»، درحالی‌که قرائت مدنیین روات نداشت، قرائة اهل المدینه بود؛ در بستر جامعه مسلمین متواتر بود. قرائة اهل الحرم –مکه- روات نداشت و مسلمانان می‌خواندند. فذا اگر ایدتان باشد ابن کثیر ات «من وراء جدر» خواند، ابن‌زبیر گفت «ارجع الی قرائة قومک»؛ ما اهل مکه به این صورت می‌خوانیم. راوی ندارند که، بلکه اهل مکه به این صورت می‌خوانند. لذا فوری جلوی او را گرفتند. پس «الاختلاف یجیء من قبل الرواة» درجایی است که ما راوی داشته باشیم. این روایت زراره از امام صادق نیست، از چه کسی است؟ از امام باقر علیه‌السلام است. همین روایت را در کافی نگاه کنید؛ حدیث دوازدهم است.

شهادت حضرت در چه سالی بوده؟ صد و چهارده. خوب نگاه کنید: شهادت امام باقر علیه‌السلام حتی قبل از قدیمی‌ترین قراء سبعه بوده. یعنی وفات ابن کثیر، ابن عامر همان حدود است. در سال ۱۱۸ است، ۱۲۰ است. عاصم ۱۲۷ است. یعنی زمانی امام علیه‌السلام می‌گویند «من قبل الرواة»، که هنوز این سبعه ای که ما می‌گوییم راویش حفص و ... است، اصلاً به‌عنوان راتی که اسم داشته باشند، مطرح نبودند. بلکه آن‌ها بازتاب دهنده بستر بودند. خب معلوم می‌شود که آن جا راویات و قرائاتی بود که حضرت تعبیر می‌کنند به این‌که قرآن روات دارد. آیا برای قرائت یک شهر –قرائة اهل المدینه، قرائة اهل الکوفه- تعبیر به روات می‌کنند؟! نه. پس معلوم می‌شود که خود کلمه روات، دال بر این است که یک کسی سبب شده که این پیدا شود. نه این‌که از زمان حضرت ادامه داشته باشد، به‌نحوی‌که کار عثمان کاشف قطعی از آن باشد.

کار عثمان متواتر هست یا نه؟ هست. همه هم می‌گویند و هیچ کسی هم اختلاف نمی‌کند که عثمان آمد مصاحف را یکی کرد. خب چرا آن‌ها را یکی کرد؟ اگر قبل از آن اختلاف نبود اصلاً نیازی به کار او نبود. پس چیزی بود که او مجبور شد این کار را بکند. البته بعد از او هم اختلاف قرائت ماند. ولی معلوم می‌شود که این اختلافات بود. آن اختلاف قرائات از روایت بود؟ اگر روایت بود که می‌آمدند روایت درست را می‌گفتند. نه این‌که وقتی عثمان را محاصره کردند بگوید «اقرئوا علی ای حرف شئتم».

شاگرد: احتمال این هست که بگوییم گاهی مجلس تعلیم داشتند و گاهی هم نقل می شده فلانی این آیه را به این صورت خواند؟

استاد: همین‌جا در پاورقی هفتم هست. این حاشیه برای خود مرحوم صاحب مفتاح الکرامه است. می‌فرمایند: «و قد یوید ذلک بما قیل...»؛ یعنی ما جاهایی داریم که مقابل قرائات سبع که

می‌گوینند متواتر است، می‌گوینند «فی قرائة علی علیه‌السلام»، «فی قرائة رسول الله». ایشان می‌گوینند خنده‌دار است؛ قراء سبعه یک جور خوانده‌اند، بعد روایت می‌گوید «فی قرائة رسول الله». خب پیامبر خدا که منبع اصلی قرائت هستند، اما قرائت او را کنار می‌گذارند!

به نظرم حفص دوری است؛ کتابی دارد. در حافظه ام هست که کتابش هست؛ یک دور مرور کردم. اسم آن قرائات النبی است. اصلاً اسم کتاب او این است. وقتی آن را می‌خوانید می‌بینید با قرائات سبعه مختلف است. خودش از رواة مهم است، کتابی نوشته به نام قرائات النبی». خب پیامبر خدا که معدن اصل وحی است. شما باید همه آنها را کنار بگذارید و قرائت ایشان را بگیرید! وقتی دوری این را می نوشته هیچ مشکلی نداشته. می فهمیده که دارد چه کار می‌کند. خودش یکی از مهمترین رواة قراء سبعه است و درعین‌حال هم می فهمیده که چه می‌نویسد. الآن مصحف دوری در سایت اصلی قرآن که برای سعودی ها است، آمده است. به نظرم عثمان طه هفت مصحف را نوشته، اولین آنها حفص بوده، دومین خطی که نوشت ورش بود، ظاهراً سومین آنها دوری بود. بعد قالون بود، بعد هم السوسی. اینها رواة مهم هستند. همه اینها را عثمان طه نوشته است. به نظرم قرائت ابوبکر شعبه را هم دارد.

شاگرد: خود حضرت توضیح داده‌اند که این اختلاف قرائات «جاء من قبل الرواة».

استاد: بله، ایشان قطع نظر از آن می‌گویند. این روایت در مقدمه کتاب القرائات سیاری بود. ایشان قطع نظر از آن می‌خواهند بگویند همینطور هم هست. من قبل از اینکه در مقدمه سیاری ببینم، ذهن من مدتها روی کلمه «رواة» مشغول می‌شد.

شاگرد: مخصوصاً اینکه در کنار «کما علمتم» می‌گذاری‌م.

استاد: بله، حضرت فرمودند این اختلاف از ناحیه رواة می‌آید. این دلالت واضح واضح دارد. من در فدکیه عنوانی را باز کرده‌ام، به نام «مرتاب دلالت روایات بر اینکه تعدد قرائات به چه نحوی است». اولین روایتی که قویترین دلالت بر در تعدد قرائت دارد را همین روایت «انما اختلاف» قراردادهه ام. روایت بعدی «کذبوا اعداء الله انما هو حرف واحد» است. یعنی هنوز می‌شود که روایت حرف واحد را توجیه کنند. کما اینکه صاحب وسائل در کتاب تواتر القرائات حرف واحد را آوردند و جمع کردند. اما همان صاحب وسائل در همان جا اسمی از روایت زراره نبرده اند. یعنی اگر آن جا می‌گفتند «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة»، با مختار خود صاحب وسائل جور نبود. اسمی از آن نبردند. ولی ما در مباحثه باید اسم همه اینها را بیاوریم و ببینیم در جمع باید چه کار کنیم.

---

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 15:12:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 13:10:22 توسط ... .